

فراخوب در سه‌گانه‌های اخلاقی قرآن

محمد عالم‌زاده نوری*

چکیده

در غالب آثار و کتب اخلاقی، انسان‌ها، افعال و صفات آنها به دو دسته «بد و خوب» تقسیم شده‌اند. پرسش این است که آیا قرآن حکیم به عنوان کتاب آسمانی دین خاتم، به همین دسته‌بندی دوگانه اکتفا کرده یا دسته‌بندی جدید و نظم و نظام خاصی در این موضوع ارائه داده است؟ اهمیت بررسی این موضوع از آن جهت است که چنانچه دسته‌بندی خاصی در قرآن ارائه شده باشد، این دسته‌بندی نو و نظام حاکم بر آن می‌تواند تأثیر مستقیمی بر جهت‌گیری تربیتی انسان‌ها در مکتب اسلام بگذارد.

در این پژوهش، برای یافتن پاسخ پرسش فوق، با روش تحلیلی به آیات قرآن و روایات ذیل آنها، مراجعه شده، این نتیجه حاصل شده است که قرآن در مقام دسته‌بندی انسان‌ها، افعال و صفات آنها، به جای دوگانه «بد و خوب»، یک تقسیم‌بندی نوین و شگفت‌انگیز ارائه داده، ضلع سوم بر این دوگانه افزوده است که ما از آن با عنوان «فراخوب» یاد می‌کنیم.

سه‌گانه‌های «اصحاب المشأمة، اصحاب المیمنه و السابقون»، «فُجَّار، ابرار، مُقَرَّبون»، «کافرین، ابرار، عبادالله»، «ظالم به نفس خود، مقتصد، سابق بالخیرات»، «اصحاب النار، اصحاب الجنَّه، رجال الاعراف» و «دشمن، مؤمن قاعد، مؤمن مجاهد» حاکی از ارائه سه‌گانه‌های «بد، خوب، فراخوب» در قرآن است.

این سه‌گانه‌ها، انسان‌ها را به تلاش برای دوری از بدی و گذر از اکتفا به حداقل‌های

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: mhnouri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰



خوبی فرامی خوانند. مؤمنانِ فراخوب در قرآن با صفاتی چون «سابقون»، «مقربون»، «عبادالله»، «سابق بالخیرات»، «رجال اعراف» و «مجاهد»، معرفی شده‌اند؛ روایت ائمه معصوم علیهم‌السلام در ذیل آیات قرآن به تبیین بیشتر ویژگی‌ها، وجه برتری فراخوبان بر دیگران و نیز معرفی مصادیقی از آنها می‌پردازند.

کلیدواژه‌ها: فراخوب، اخلاق قرآنی، تربیت اخلاقی، سابقون، مقربون، عبادالله، سابق بالخیرات، رجال اعراف، مجاهدان.

مقدمه

معمولاً در کتاب‌های اخلاقی، افعال و صفات انسان را به «خوب و بد» یا «حسن و قبیح» تقسیم می‌کنند. بنابر این تقسیم، انسان‌ها نیز به «خوب و بد»، یا «صالح و ناصالح» تقسیم می‌شوند. این تقسیم دوگانه با تعابیر مختلف و به شکل‌های گوناگونی بیان می‌شود و ناظر به ارزش رفتارها یا ویژگی‌ها و صفات اختیاری انسان است: «فضیلت و رذیلت»، «درست و نادرست»، «ممدوح و مذموم»، «شایسته و ناشایست»، «ارزش و ضد ارزش»، «هنجار و ناهنجار»، «صلاح و فساد». این مفاهیم متقابل، کلیدواژه‌های اصلی علم اخلاق و محمولات گزاره‌های اخلاقی شمرده می‌شود و در تمام نظامات اخلاقی به‌کار رفته است.

این تقسیم منطقی، قرن‌ها بلکه هزاره‌هاست که در دانش اخلاق طرح شده و در آثار اخلاقی یونان باستان هم سابقه دارد. پرسش ما این است که قرآن مجید به عنوان کتاب آسمانی دین خاتم، آیا در ارائه نظام اخلاقی مطلوب خود به این دوگانه «بد و خوب» اکتفا کرده، یا ساختار جدیدی برای آن ارائه داده است؟ اگر ساختار جدیدی ارائه داده، آن ساختار چیست؟

پاسخ به این پرسش می‌تواند باعث دگرگونی در ساختار تربیت انسان‌ها شده، کمک بسزایی به پویایی نظام تربیتی ما کند. ما در این پژوهش با روش تحلیل ادله نقلی، به آیات قرآن و روایات ائمه معصوم علیهم‌السلام در موضوع بحث رجوع می‌کنیم.

سه‌گانه‌های قرآنی

در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام دوگانه «بد و خوب» با زوج مفهومی «منکر و معروف»، «شرّ و خیر»، «اثم و برّ»، «فجور و تقوا»، «خبیث و طیب»، «معصیت و طاعت» و «شقوات و سعادت» و مانند اینها بیان شده است. اما قرآن کریم تقسیم نوین و شگفت‌انگیز دیگری





نیز ارائه کرده، ضلع سومی به دوگانه «بد و خوب» افزوده است که در هیچ کتاب اخلاقی‌ای سابقه ندارد و بسیار توجه برانگیز و البته غریب به نظر می‌رسد. گویا خدای متعال با ارائه برخی تقسیم‌های سه‌گانه، محاسن اخلاق را متمیم کرده، دایره ارزش‌های اخلاقی را توسعه داده، به عنوان نگاه ویژه قرآنی، توجه جدیدی آفریده است.^۱ چه بسا مفاد نبوی شریف «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَحَاسِنَ الْأَخْلَاقِ» (ابی فراس، ۱۴۱۰ق: ۸۹/۱) نیز همین موضوع باشد. بررسی‌های ما نشان می‌دهد، در تاریخ علم اخلاق این اولین بار است که دوگانه «بد و خوب» به تقسیم سه‌گانه «بد، خوب، فراخوب» ارتقا یافته است. قرآن حکیم با ارائه این سه‌گانه، انسان‌ها را به تلاش برای دوری از بدی و گذر از اکتفا به حداقل‌های خوبی فرا می‌خواند. رسالت این پژوهش، تبیین سه‌گانه‌های اخلاقی قرآن و بیان ویژگی‌های فراخوبان است.

۱. اصحاب المشأمة، اصحاب المیمنه و السابقون

یکی از سه‌گانه‌های اخلاقی قرآن، معرفی اصحاب المشأمة، اصحاب المیمنه و السابقون است. خدای منان در سوره واقعه می‌فرماید:

﴿وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً * فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ (واقعه: ۷-۱۰)^۲

بد: «اصحاب المشأمة» یعنی بدهایی که سراسر نکبت و شومی هستند. کتمان آگاهانه حق، بغی، حسادت، اکتفا به سه روح - قوت، شهوت، بدن - و فقدان روح ایمان از جمله ویژگی‌های آنهاست. (صفار، ۱۴۰۴: ۱/ ۴۴۷)

خوب: «اصحاب المیمنه» انسان‌های پاکی هستند که وجود مبارکی دارند. برخوردار از روح ایمان در کنار روح قوت، روح شهوت و روح بدن (همو، ۱۴۰۴: ۱/ ۴۴۸) و نیز حساب‌رسی

۱. علامه طباطبائی رحمته‌الله ذیل آیه ۱۵۶ سوره بقره، پس از بیان سه مسلک اخلاقی تربیتی، مسلک سوم یعنی الگوی تربیت توحیدی را به قرآن کریم نسبت داده و ویژگی انحصاری قرآن در تربیت اخلاقی را ابتنای ارزش‌های اخلاقی بر توحید خالص و محبت عبودی معرفی می‌کند. در این بحث ارزشمند اگر توحید خالص الهی را فراتر از توحید فردی و مشتمل بر توحید گسترده عالم‌گیر و عبودیت منتشر در همه نظامات اجتماعی بدانیم، مکتب اخلاقی تربیتی قرآن به تمام و کمال عرضه شده و بر بحث جاری انطباق کامل خواهد یافت.

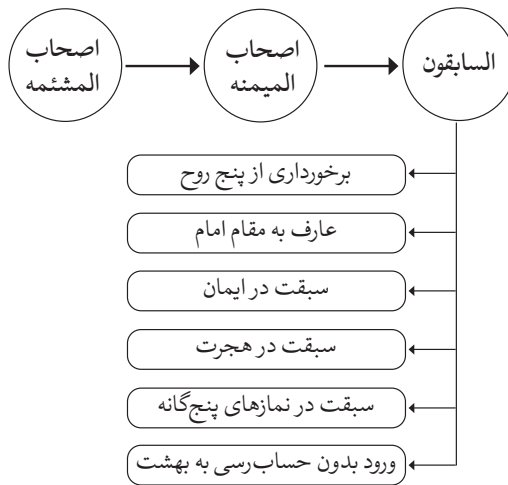
۲. و شما در آن روز سه طایفه خواهید بود: اول "اصحاب میمنه" و تو چه می‌دانی که اصحاب میمنه چه شان عظیمی دارند؛ دوم "اصحاب مشئمه" (نحوست) و تو چه می‌دانی اصحاب مشئمه چه شقاوتی عظیم دارند؛ سوم آنهایی که [در دنیا به سوی خیرات و در آخرت به سوی مغفرت و رحمت] سبقت می‌گیرند. (ترجمه آیات بر اساس ترجمه تفسیر المیزان)





شدن از آنها قبل از ورود به بهشت (قمی، ۱۴۰۴: ۳۴۶/۲) از ویژگی‌های آنهاست.

فراخوب: «سابقون» به عنوان پیشتاز، پیشگام و پیشاهنگ معرفی شده‌اند. خدای متعال این گروه سوم را در ردیف خوبان دیگر نمی‌آورد؛ زیرا تفاوت میان آنها با خوبان چنان زیاد است که باید در گروهی مستقل دسته‌بندی شوند. حساب اینها فرق می‌کند و اندراج آنها در ردیف خوبان، حقشان را ادا نمی‌کند یا توصیف بایسته آنان به شمار نمی‌آید: ﴿أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ (واقعه: ۱۱).



ویژگی‌های فراخوب: ویژگی‌هایی از قبیل برخورداری از پنج روح (روح القدس، روح الایمان، روح القوه، روح الشَّهوه و روح البدن) (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۸/۱)، عارف بودن به مقام امامت (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۷۴/۴۸)، سبقت گرفتن در ایمان، در هجرت و در به جا آوردن نمازهای پنج‌گانه (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵۶/۶۶) و ورود بدون حساب‌رسی به بهشت (قمی، ۱۴۰۴: ۳۴۶/۲) برای سابقون ذکر شده است.

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر آیه ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ ۗ اِلَّا اَصْحَابَ الْيَمِيْنِ﴾ (مدثر: ۳۸ و ۳۹) می‌نویسد:

در این آیات، نفوس دارای کسب (عمل) به دو گروه تقسیم شده‌اند: اول جان‌هایی که در رهن اعمال خود هستند که همان مجرمانند؛ دوم جان‌هایی که از رهن عمل خود رها شده‌اند که همان اصحاب یمینند؛ اما سابقون یا مقربون در جایگاه

۱. هر کسی در گروه عملی است که انجام داده است؛ مگر اهل یمین.

عبودیت مستقرند. آنها جانی و عملی ندارند. جان‌هایشان و اعمالشان (خالص) برای خداست؛ بنابراین نه احضار می‌شوند و نه مورد محاسبه قرار می‌گیرند. خدا (درباره آنها) فرموده است: «فَأَنَّهُمْ لُمُحْضَرُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ» (صافات: ۱۲۸)؛ یعنی همه احضار می‌شوند، اما اینها اساساً از مقسم خارجند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۹۶/۲۰).

مصادیق فراخوب: در مجموعه روایات اهل بیت علیهم‌السلام برخی افراد به عنوان مصادیق سابقون ذکر شده‌اند که از آن جمله می‌توان به پیامبران مرسل و غیرمرسل (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۹/۶۶)، پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۶/۱)، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۳۵/۳۵)، فاطمه زهرا علیها‌السلام و ائمه معصوم علیهم‌السلام (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴/۲۴) و شیعیان آنها (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۹۰)، حضرت خدیجه کبری علیها‌السلام (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶/۲۴)، سلمان، صهیب، بلال، خباب (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۱۲/۱)، زراره، ابو بصیر لیث مرادی، محمد بن مسلم، و برید بن معاویه عجلی (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۱۹/۱۴)، یوشع، صاحب یاسین (کوفی، ۱۴۱۰: ۴۶۳) و در یک کلام، بندگان خاص خدا (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۶/۱) اشاره کرد.

۲. فُجَّار، اَبْرار، مُقْرَبون

علاوه بر سوره واقعه که تمام محتوای آن در مقام بیان تقسیم سه ضلعی «بد، خوب، فراخوب» است، در آیات دیگری از قرآن نیز شاهد این تقسیم هستیم؛ گویا خداوند حکیم بر این تقسیم سه ضلعی تأکید و اصرار دارد؛ از جمله در سوره مطففین با تعبیری دیگر می‌فرماید:

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِينٍ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِينٌ * ... كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ * كِتَابٌ مَرْقُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقْرَبُونَ﴾ (مطففین: ۷-۲۱)^۱

بد: «فُجَّار»، بدهای ظالم و دغل‌کارند. (لیثی، ۱۳۷۶: ۱۴۹) آنها که اگر امانتی نزدشان بسپاری، خیانت می‌کنند؛ اگر با آنها رفاقت کنی، بی‌ارزش می‌شوی؛ و اگر به آنها اعتماد کنی، خیرت را نمی‌خواهند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۱) فجور از خُلقیات کفار است. (لیثی، ۱۳۷۶: ۳۲) و از آنها که در حق ائمه علیهم‌السلام ظلم و ستم کردند (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۳۵/۱) و با آنها دشمنی ورزیدند به عنوان فاجرانی یاد شده که طینت‌شان سجینی است. (صفار، ۱۴۰۴: ۱۵/۱).

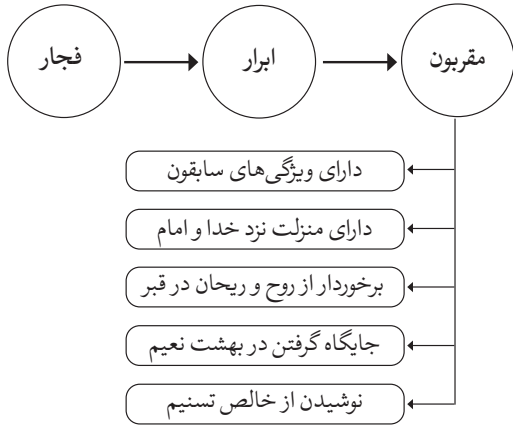
۱. در آن روز همه یک جور سرنوشت ندارند بلکه نامه بدکاران در سجین است. و تو چه دانی که سجین چیست؟ ... نه، نامه نیکان در علیین است. و تو چه دانی که علیین چیست؟ کتابی است نوشته شده که قربان شاهد آنند.





خوب: «ابرار» خوبانی هستند که در ایمان خود صادقند. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۰۵/۲) پاداش ابرار و نیکان در این آیات، باده‌ای است سرپیسته و مهروموم شده که اندکی از «تسنیم» در آن مخلوط شده است. (مطففین: ۲۲-۲۷)

فراخوب: مقربون، همان سابقون هستند: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ (واقع: ۱۰-۱۱): آنها نزد خدا و امام دارای منزلتند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴/۲۴) و در قبر از روح و ریحان و در آخرت در بهشت نعیم خواهند بود. (همو - واقع: ۸۹) در حالی که بهره ابرار، باده‌ای است که تنها اندکی از «تسنیم» در آن مخلوط شده است، مقربون از خالص چشمه تسنیم می‌نوشند: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * ... يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّحْتُومٍ * خِتَامُهُ مِسْكٌَ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * وَمِزَاجُهُ مِنَ التَّسْنِيمِ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ﴾ (مطففین: ۲۲-۲۸).^۱ این تعبیر چه بسا به این معناست که اندکی از کمالات مقربان در میان ابرار وجود دارد. البته همان‌گونه که پاداش مقربان بیشتر است، مسئولیت آنان هم سنگین‌تر است و از آنان انتظار بیشتری می‌رود: «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ»^۲. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۲۰۵)



۱ . محققا ابرار غرق در نعمتند... از شراب بی‌غش و صافی به ایشان می‌نوشانند. شرابی که مهر و مومش مشک است و شایسته است که مردم برای کسب چنین زندگی مسابقه بگذارند. شرابی که ممزوج با چشمه تسنیم است. منظور چشمه‌ای است خاص مقربین که جز از آن نمی‌نوشند.

۲ . این جمله علی‌رغم شهرت فراوان، حدیث مأثور از امامان معصوم علیهم‌السلام نیست.



مصادیق فراخوب: در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام وجود شریف پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۲۴) دوستداران، پیروی کنندگان و پذیرندگان ولایت آنها (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۵۰) و ملائک نویسنده (قمی، ۱۴۰۴: ۴۱۰/۳) به عنوان مصادیق مقربون ذکر شده‌اند.

۳. کافرین، ابرار، عبادالله

مشابه این پاداش در سوره دهر برای «عبادالله» بیان شده است:

﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا * إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا﴾. (دهر: ۴-۶)^۱

بد: کافرین، افراد ناسپاسی هستند که به خدا، ملائکه و کتب او، پیامبران الهی و روز آخرت ایمان ندارند. (النساء: ۱۳۶)

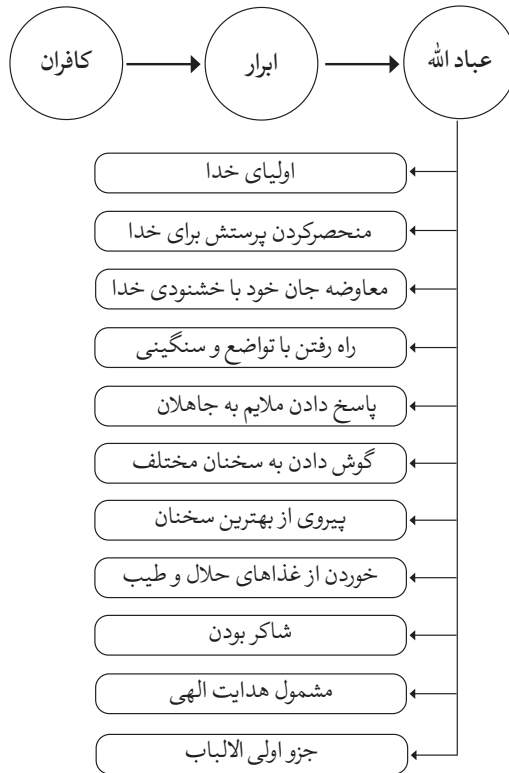
خوب: ابرار که پیشتر درباره آنها سخن گفتیم، از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی از کافور آمیخته است. کافور چشمه‌ای است که عبادالله از خالص آن می‌نوشند و [به دلخواه خویش] جاری‌اش می‌کنند.^۲

فراخوب: عبادالله، اولیای خدا هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۰/۸) آنها که جز خدا را نمی‌پرستند (بقره: ۸۳) جان خود را به ازای خشنودی خدا می‌فروشند (بقره: ۲۰۷)، شیطان بر آنها تسلطی ندارد (حجر: ۴۲ - اسراء: ۶۵)، سنگین و با تواضع بر زمین راه می‌روند و چون جهالت پیشگان، خطابشان کنند ملایم سخن می‌گویند (فرقان: ۶۳)، همان‌ها که به هر سخنی گوش می‌دهند سپس بهترین آن را پیروی می‌کنند (زمر: ۱۷)، آنها که از غذاهای حلال و طیب می‌خورند و شکر خدا را به جا می‌آورند (بقره: ۱۷۲ - نحل: ۱۱۴) خدا آنها را هدایت کرده است، (زمر: ۱۷)، آنان صاحبان خردند. (همان)



۱. ما برای کیفر کافران غل و زنجیرها و آتش سوزان مهیا ساخته‌ایم. و نیکوکاران عالم در بهشت از شرابی نوشند که طبعش (در لطف و رنگ و بوی) کافور است. از سرچشمه گوارای آن، بندگان خاص خدا می‌نوشند که به اختیارشان هر کجا خواهند جاری می‌شود.

۲. در این تفسیر «عیناً» بدل از «کافوراً» است (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰۹؛ رازی، مفاتیح الغیب أو التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۷۴۴؛ سمرقندی؛ تفسیر السمرقندی، ج ۳، ص ۵۲۶).



۴. ظالم به نفس خود، مقتصد، سابق بالخیرات

سه گانه «بد، خوب، فراخوب» در سوره فاطر به زبان دیگری طرح شده است:

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾. (فاطر: ۳۲)^۱

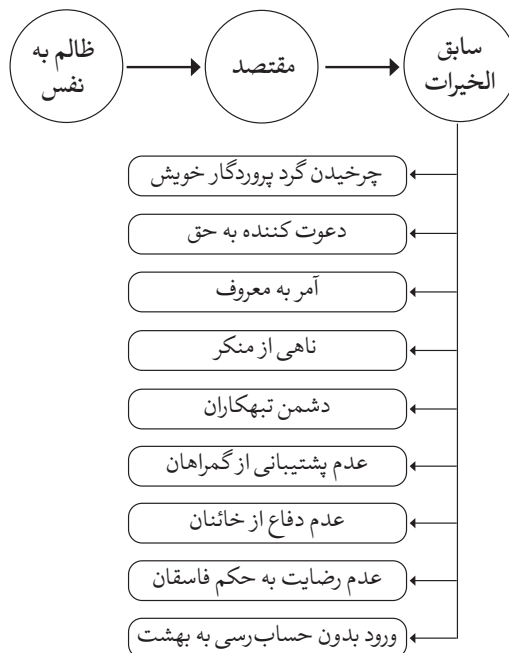
بد: «ظالمان به نفس خود»، بدهایی هستند که پیش از آن که به دیگران بدی کنند، به خود ستم کرده، آسیب می‌رسانند. در برخی روایات، برخی افراد به عنوان مصداق «ظالم لنفسه» معرفی شده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به کسانی اشاره کرد که حق امام را نشناختند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۱۴)، کسانی که حسنات و گناهانشان برابر است (همو)، کسانی که مردم را نه دعوت به خیر می‌کنند و نه به شرّ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۱۵ و ۴۶/۱۸۰) و کسانی که فکرشان در اطراف نفس خویش، دور می‌زند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۱۴) برخی روایات، سرنوشت آنها را هلاکت معرفی کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳:

۱. آن گاه این کتاب را به آن کسانی که از بندگان خود که انتخابشان کرده‌ایم به میراث دادیم، پس بعضی از ایشان ستمگر خویشند و بعضی معتدلند، و بعضی از ایشان به اذن خدا به سوی نعمت‌ها می‌شتابند و کرم بزرگ این است.

۲۲۰/۲۳) اما برخی دیگر از روایات، به افرادی در میان آنها اشاره می‌کند که جزو تائبان خواهند بود؛ پس مورد آموزش قرار خواهند گرفت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۸/۲۳) برخی روایات نیز حاکی از آن است که برخی از مصادیق «ظالمٌ لنفسه» پیش از آن‌که مورد رحمت الهی قرار بگیرند و وارد بهشت شوند، سال‌های طولانی حبس می‌شوند تا اندوه وارد جانشان شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۷)

خوب: «مقتصد»، صالحان هستند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۰/۲۳) همانها که با دلِ خود، سر و کار دارند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۲۳) آنها که عارف به حق امام خویشند (همو)، روزها روزه‌دار و شب‌ها، شب‌زنده‌دارند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۸/۲۳) و تا زمان مرگ، خدا را در هر دو حالت (سختی و آسانی) بندگی می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۲۳) پس حساب‌رسی آنها در قیامت نیز آسان خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۷)

فراخوب: «جلوداران و پیشگامان در خیرات»، کسانی هستند که گردِ پروردگار خویش می‌چرخند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۲۳)، آنها که دعوت‌کنندگان به راه حق، آمران به معروف، ناهیان از منکر و دشمنان تبهارانند؛ آنها که هرگز از گمراهان پشتیبانی نمی‌کنند؛ مدافع خائنان نیستند و به حکم فاسقان تا زمانی که از جان یا دین خویش نترسند و بی‌یاور نشوند، رضایت نمی‌دهند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۲۳) آنها بدون حساب وارد بهشت می‌شوند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۷)



مصادیق فراخوب: برخی روایات، علی بن ابی طالب علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۲۰) و امامی که از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۱۷ و ۲۱۸) را به عنوان عالی‌ترین مصادیق سابق بالخیرات ذکر کرده‌اند.

۵. اصحاب النار، اصحاب الجنة، رجال الاعراف

در سوره اعراف نیز سه‌گانه «اصحاب النار، اصحاب الجنة و رجال الاعراف» در بیان وضعیت آخرت انسان‌های «بد، خوب، فراخوب» ذکر شده است:

﴿وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ * وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ * أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ (اعراف: ۴۶-۴۹)

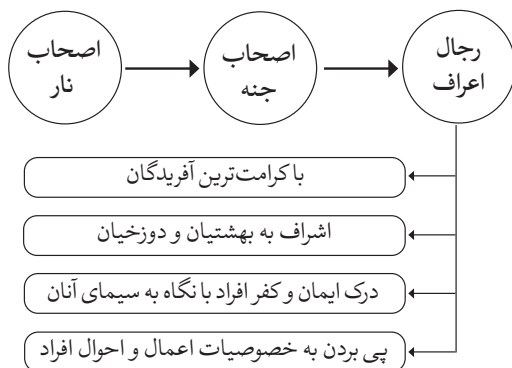
بد: بر اساس روایاتی که ذیل این آیات، وارد شده، «اصحاب النار» کسانی هستند که اهل بیت پیامبر علیهم السلام را انکار کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۳۳۸) یا دشمن بدانند و دیگران را بر آنها برتری دهند. (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۴۴)

خوب: بر اساس روایاتی که ذیل این آیات، وارد شده، «اصحاب الجنة» کسانی هستند که اهل بیت علیهم السلام را شناخته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۳۳۸ و ۲۴/۲۵۳)، آنها را دوست می‌دارند (همو، ۱۴۰۳: ۸/۳۳۹ و ۲۸۲/۳۳ و ۴۵/۳۵) و یاری‌شان می‌کنند. (همو، ۱۴۰۳: ۸/۳۳۹) در مقابل، شفاعت اهل بیت علیهم السلام شامل حال آنها می‌شود. (همو، ۱۴۰۳: ۸/۳۳۵)

فراخوب: بر اساس روایاتی که ذیل این آیات، وارد شده، «رجال اعراف» با کرامت‌ترین آفریدگان، نزد خدا هستند (همو، ۱۴۰۳: ۲۴/۲۵۱)؛ کسانی که بر بهشتیان و دوزخیان اشراف دارند و دارای مقامی هستند که ایمان و کفر افراد را از سیمای آنها درک می‌کنند و به خصوصیات احوال و اعمال آنان پی می‌برند. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۲۳/۸-۱۲۵).

۱. میان بهشتیان و دوزخیان حائلی است و بر بالای آن مردمی هستند که همه خلائق را به سیمای و رخسارشان می‌شناسند، و اهل بهشت را ندا دهند که سلام بر شما، اینان به بهشت در نیامده‌اند اما طمع آن را دارند. و چون دیدگان‌شان به سوی اهل جهنم بگردد گویند پروردگارا ما را قرین گروه ستمگران مکن. اصحاب اعراف مردمی را که به سیمایشان می‌شناسند ندا دهند و گویند: جماعت شما و آن تکبری که می‌کردید کاری برای شما نساخت. آیا همین‌ها بودند که شما قسم می‌خوردید که رحمت خدا به آنان نمی‌رسد؟ شما (تحقیق‌شدگان) به بهشت وارد شوید که نه بیمی دارید و نه غمگین می‌شوید.





مصادیق فراخوب: برخی روایات، اوصیا (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۳/۶ و ۳۷/۳۰) و برخی دیگر، حضرات محمد ﷺ، علی ؑ، حسن ؑ، حسین ؑ، فاطمه ؑ و خدیجه کبری ؑ (همو، ۱۴۰۳: ۲۴/۲۵۵) و نه امام از صلب حسین ؑ (همو، ۱۴۰۳: ۳۶/۳۵۱) را به عنوان عالی ترین مصادیق رجال اعراف ذکر کرده اند؛ برخی روایات نیز عباس ؑ، حمزه ؑ و جعفر طیار ؑ را بر این لیست افزوده (همو، ۱۴۰۳: ۳۹/۲۲۴)، از سلمان ؑ، مقداد ؑ، ابوذر ؑ، عمار ؑ و نظایر آنان به عنوان عوامل رجال اعراف یاد کرده اند. (همو، ۱۴۰۳: ۴۴/۸)

۶. دشمن، مؤمن قاعد، مؤمن مجاهد

در سوره نساء نیز سه گانه «دشمن، مؤمن قاعد و مؤمن مجاهد»، از وضعیت انسان های «بد، خوب، فراخوب» در تعامل با موضوع جنگ، به تصویر کشیده شده است:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾. (نساء: ۹۵)^۱

بد: دشمنانی هستند که قرآن به جهاد با آنها فرمان داده است. این دشمنان شامل کفار (توبه: ۱۲ و ۷۳ - فرقان: ۵۲ - تحریم: ۹)، منافقان (تحریم: ۹)، مشرکان (توبه: ۳۶)، آن دسته از اهل کتاب که به خدا و روز جزا ایمان نمی آورند، آنچه را خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی دانند و به دین حق نمی گروند (توبه: ۲۹) و آن دسته ای از مؤمنان که اهل بغی هستند. (حجرات: ۹)

۱. کسانی که بدون عذر و علت از جهاد در راه خدا تقاعد می ورزند با کسانی که در راه او با مال و جان خود جهاد می کنند یکسان نیستند، خدای تعالی مجاهدان با مال و جان خود را بر نشنگان از حیث درجه برتری داده، و خدا به هر یک وعده اجری عظیم داده است.





خوب: «قاعدان»، مؤمنان معمولی و آدم‌های خوبی هستند که بر اساس آیات فوق، به دو گروه تقسیم شده‌اند: قاعدون اولی الضرر که به دلیل بیماری مزمن، توانایی جهاد ندارند (قمی، ۱۴۰۴: ۱۴۹/۱) و قاعدون غیر اولی الضرر؛ گرچه هر دو گروه مشمول رحمت خدا بوده، وعده بهشت به آنان داده شده است: «وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ» (نساء: ۹۵) اما قاعدون غیر اولی الضرر، در ردیف مجاهدان قرار نمی‌گیرند. (همان) چون علی‌رغم امکان مشارکت در جهاد، از انجام آن خود را محروم کرده‌اند.

فراخوب: مجاهدان کسانی هستند که از مال و جانشان در راه خدا مایه می‌گذارند. (همان) آنها خدا و رسول او و جهاد در راه خدا را بیش از پدران، فرزندان، برادران، همسران، اقوام و خویشان، اموال، تجارت و خانه‌های خود، دوست دارند. (توبه: ۲۴)، آنها به رحمت الهی امیدوارند (بقره: ۲۱۸)، از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند (مائده: ۵۴)، جهاد آنها اثر مثبتی بر نفسشان می‌نهد (عنکبوت: ۶). آنها به سوی راه‌های خدا هدایت می‌شوند (عنکبوت: ۶۹) و به مقام صادقان می‌رسند (حجرات: ۱۵) و از خیرات و رستگاری بهره‌مند می‌شوند. (توبه: ۸۸)

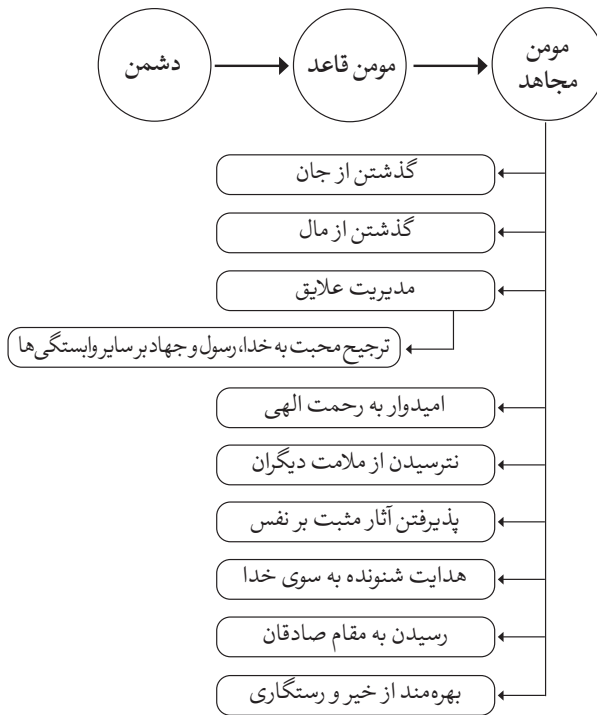
نوع برتری مجاهدان بر قاعدان: مجاهدان فاصله بسیاری با قاعدان دارند. پروردگار مئان در آیه ۹۵ از سوره نساء با چند تعبیر، فاصله نجومی میان این دو گروه را تذکر می‌دهد. ابتدا می‌فرماید: اینها گرچه هر دو مؤمنند، اما مساوی نیستند: «لَا يَسْتَوِي». در مرحله بعد می‌فرماید: خدا مجاهدان را بر قاعدان فضیلت بخشیده است: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً». گویا با این بیان هنوز فاصله نجومی میان این دو گروه معلوم نشده است؛ از این رو خدای متعال بلافاصله تکرار می‌کند که فضیلت مجاهدان بر قاعدان بسیار بزرگ است: «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا». برای بار چهارم و از باب تأکید و تشدید بیشتر، در آیه بعد، این تمایز را با کلمه «درجات» ادامه می‌دهد: «دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً»؛ یعنی این فاصله، یک قدم و دو قدم نیست؛ بلکه فاصله زمین و آسمان است.^۱

با این ارشاد قرآنی، «مجاهدان فی سبیل الله» جریان بسیار مهمی تلقی می‌شوند که ذیل

۱. در سوره توبه نیز خدای متعال مؤمنان را به نفر (حرکت و کوچ کردن در راه خدا) تشویق کرده و از زمین‌گیری و گران‌باری و پای بستگی برهیز داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ». (توبه: ۳۸) با توجه به این‌که خطاب این آیه به مؤمنان است، گویا مؤمنان در نظر خدای متعال دو دسته‌اند: دسته اول اهل نفر، و دسته دوم چسبیدگان به زمین. گرچه گروه دوم در بحبوحه آزمون‌های سخت و سنگین ممکن است ایمان خود را از دست بدهند.



عنوان «خوبان و نیکان» حقیقتاً ادا نمی‌شود و جامعه اسلامی باید حساب ویژه‌ای برای آنان باز کند و برای تربیت و پدیدآوردن چنین انسان‌هایی اهتمام خاص علمی و عملی داشته باشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه جهاد را دری گشوده برای خواص اولیا معرفی می‌کنند؛ یعنی مجاهدان، فراتر از عموم مؤمنان که همه ولی خدا هستند (بقره: ۲۵۷ - آل عمران: ۶۸)، اولیای خاص پروردگار به شمار می‌آیند و با خوبان معمولی تفاوت دارند: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ». (شریف رضی، ۱۴۰۶ق: خ ۲۷) این تعبیر امام علی علیه السلام تفسیر همان آیات قرآن است. خواص اولیای خدا کسانی هستند که در مسیر تحقق آرمان الهی، فراتر از وظایف معمولشان کار می‌کنند.



مصادیق فراخوب: برخی روایات از امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان برترین مصداق مجاهدان در راه خدا نام برده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۳/۹۷) البته هر مسلمان اهل جهادی مشمول آیات فوق می‌شود. (ابن اشعث، بی تا: ۱۷۷)





نتیجه‌گیری

۱. در قرآن کریم برای اولین بار تقسیم دوگانه انسان‌ها به «بد و خوب» یا «فاسد و صالح» به سه‌گانه «بد، خوب و فراخوب» تبدیل شده، به این ترتیب مکارم اخلاق متمیم یافته است.
۲. خدای متعال «فراخوبان» را در عرض دیگر خوبان قرار نداده است؛ زیرا تفاوت میان آنها با «خوبان» بسیار است و اندراج آنها در ردیف خوبان، حقشان را ادا نمی‌کند، یا توصیف بایسته آنان به شمار نمی‌آید. بنابراین لازم است در گروهی مجزا دسته‌بندی شوند.
۳. سه‌گانه‌های «اصحاب المشأمة، اصحاب الیمینه و السابقون»، «فُجَّار، ابرار، مُقَرَّبون»، «کافرین، ابرار، عبادالله»، «ظالم به نفس خود، مقتصد، سابق بالخیرات»، «اصحاب النار، اصحاب الجنة، رجال الاعراف» و «دشمن، مؤمن قاعد، مؤمن مجاهد» حاکی از ارائه سه‌گانه‌های «بد، خوب، فراخوب» در قرآن است.
۴. در قرآن و احادیث از فراخوبان با تعابیر «سابقون»، «مقربون»، «عبادالله»، «سابق بالخیرات»، «رجال اعراف» و «مجاهد»، یاد شده است. برجسته کردن فراخوبان توسط قرآن، انسان‌ها را به تلاش برای دوری از بدی و گذر از اکتفا به حداقل‌های خوبی فرامی‌خواند.
۵. از تجمیع ویژگی‌هایی که در آیات مختلف و روایات ذیل آنها، برای فراخوبان بیان شده است می‌توانیم این ویژگی را استخراج کنیم: با کرامت‌ترین آفریدگان نزد خدا، برخوردار از پنج روح (روح القدس، روح الایمان، روح القوه، روح الشهوه و روح البدن)، عارف بودن به مقام امامت، دارای منزلت نزد امام، سبقت گرفتن در ایمان، در هجرت و در به جا آوردن نمازهای پنج‌گانه، جز خدا را نپرستیدن، معامله جان خود با خشنودی خدا، عدم تسلط شیطان بر آنها، سنگین و با تواضع گام برداشتن، برخورد ملایم با جاهلان، گوش دادن به سخنان مختلف و پیروی از نیکوترین سخنان، خوردن از غذاهای حلال و طیب، شاکر بودن در برابر خدا، بهره‌مندی از هدایت الهی، خردمند بودن، چرخیدن گرد پروردگار خویش، دعوت‌کننده به راه حق، آمر به معروف، ناهی از منکر، دشمن تبهکاران، عدم پشتیبانی از گمراهان، مدافع خائنان نبودن، رضایت ندادن به حکم فاسقان تا زمانی که از جان یا دین خویش نترسند و بی‌یاور نشوند، اشراف بر بهشتیان و دوزخیان، توانایی تشخیص ایمان و کفر افراد و پی‌بردن به خصوصیات احوال و اعمالشان با نگاه کردن به سیمای آنها، گذشتن از مال و جان خویش در راه خدا، ترجیح دادن خدا و رسول او و جهاد در راه خدا بر علاقه به پدران، فرزندان، برادران، همسران،

اقوام و خویشان، اموال، تجارت و خانه‌های خود، امید به رحمت الهی، نترسیدن از ملامت هیچ ملامت‌گری، سود رساندن به نفس خویش، برخوردار از هدایت الهی، رسیدن به مقام صادقان، بهره‌وری از خیرات و رستگاری، بهره‌مندی از روح و ریحان در قبر، ورود بدون حساب‌رسی به بهشت نعیم، نوشیدن از خالص چشمهٔ تسنیم.

۶. بر اساس روایات متعدد، رسول خاتم صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک ایشان علی علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، و نه امام از صلب او علیه السلام، فاطمه زهرا علیه السلام، خدیجه کبری علیه السلام، پیامبران علیهم السلام، دوستان، پیروی‌کنندگان و پذیرندگان ولایت ائمه علیهم السلام و بزرگانی چون عباس علیه السلام، حمزه علیه السلام، جعفر طیار علیه السلام، سلمان علیه السلام، مقداد علیه السلام، ابوذر علیه السلام، عمار علیه السلام، صهیب علیه السلام، بلال علیه السلام، خباب علیه السلام، زراره علیه السلام، ابو بصیر لیث علیه السلام، محمد بن مرادی علیه السلام، محمد بن مسلم علیه السلام، برید بن معاویه عجل علیه السلام، یوشع علیه السلام، صاحب یاسین علیه السلام و در یک کلام، تمام بندگان خاص خدا، از مصادیق «فراخوب» هستند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق)، نهج البلاغه، دارالاضواء، بیروت.
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبة للنعمانی، نشر صدوق، تهران.
۳. ابن ابی فراس، ورام (۱۴۱۰ق)، مجموعه ورام، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، مکتبه فقیه، قم.
۴. ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا)، الجعفریات (الأشعثیات)، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، جامعه مدرسین، قم.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، انتشارات علامه، قم.
۷. استرآبادی، علی، (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهرة، محقق: حسین استاد ولی، مؤسسه النشر الإسلامی، قم.
۸. حسکانی، عبید الله بن عبد الله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق: محمد باقر محمودی، التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، تهران.
۹. سمرقندی، ابواللیث (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی (بحر العلوم)، دارالفکر، بیروت.
۱۰. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم.



۱۱. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل الله یزدی طباطبائی و سیدهاشم رسولی محلاتی، ناصر خسرو، تهران.
۱۳. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، محقق: محمد کاظم، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، تهران.
۱۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، دارالکتاب، قم.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، اسلامیه، تهران.
۱۶. لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، محقق: حسین حسینی بیرجندی، دارالحدیث، قم.
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۸. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازدی، مؤسسه فرهنگي اسلامي کوشانپور، قم.

